

بررسی وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی؛ یک مطالعه کیفی

سرخندان دل^۱، رجعلی محمدزاده^{۲*}، علی اصغر عباسی اسخیر^۳، جمال صادقی^۴

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴	وضعیت آموزشی از جمله جنبه‌های کلیدی زندگی فرزندان طلاق است که تحت تأثیر طلاق والدین می‌تواند مسیرهای متفاوتی را پیش بگیرد؛ بر این اساس مطالعه وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی اهمیت پیدا می‌کند. با درک این مهم، پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی انجام شد. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی است که از نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان شامل فرزندان طلاق شهر تهران بودند که ۱۰ سال از طلاق والدینشان گذشته بود و از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۸ نفر به‌عنوان مطلعان کلیدی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. اعتبار و روایی داده‌ها از دو روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و کدگذاری مجدد توسط خبرگان به‌دست آمد. داده‌ها به‌وسیله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در دو بعد موتور محرک در پیشرفت و انگیزه تحصیل دارای شاخص‌های مثبت و منفی است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱	
نوع مقاله: تحقیق کیفی	
واژگان کلیدی	
طلاق، وضعیت آموزشی، فرزندان طلاق، بزرگسالی	

۱. دانشجوی دکترای روانشناسی تربیتی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روانشناسی، واحد تهران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۴. استادیار، گروه روانشناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

مقدمه

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که ثبات یا ناپایداری‌اش بر اعضای خانواده و جامعه اثر می‌گذارد و فروپاشی این واحد کوچک نیز گاه چنان اثر عمیقی بر فرزندان دارد که باورکردنی نیست. گذشته از اثراتی که طلاق بر زوجین می‌گذارد، در مواردی که زوجین دارای فرزندان هستند، اثرات آن گریبان آنها را نیز می‌گیرد، حتی می‌توان گفت فرزندان از این پدیده بیشترین ضربه را متحمل می‌شوند. نسبت بزهکاری در خانواده‌های متلاشی شده خیلی بیشتر از خانواده‌های بادوام است و بی‌سرپرستی در فرزندان، عقده‌های روانی ایجاد می‌کند و جنبه منفی طلاق خیلی گسترده است. امروزه شاخص آمار طلاق بسیار قابل توجه است، به طوری که براساس آمار سازمان ثبت احوال از هر ۵.۵ ازدواج، یک ازدواج به طلاق می‌انجامد و این رقم در تهران وضعیت بدتری را نشان می‌دهد، به طوری که در تهران از هر ۲.۹ ازدواج، یک مورد به طلاق می‌انجامد. بر این اساس، آمارها نشان‌دهنده نرخ بالای طلاق و به دنبال آن ازدیاد فرزندان طلاق است (یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴).

رشد اوایل کودکی می‌تواند بر زندگی بعدی وی تأثیر بگذارد، مانند خوشبختی، سلامتی، شعور و رفتار پرخطر (موریسون و همکاران، ۲۰۱۴). یک بررسی منظم از ۱۹ مطالعه نشان داد که از هر ۵ کودک یک نفر به دلیل عواملی مانند فقر، محیط خانواده و همسایگی، درگیری‌های خانوادگی، سلامت روان والدین و عملکرد مدرسه، دارای مشکلات روحی و روانی هستند و اینها پتانسیل افزایش نرخ خودکشی و سوء مصرف مواد را در بزرگسالان دارند (بور و همکاران، ۲۰۱۴). روابط والدین و کودک در سال‌های رشد کودکان نه تنها بر روابط کنونی آنها با همسالان، معلمان، شرکا و دیگران در زندگیشان، بلکه بر روابط بین فردی آینده آنها نیز تأثیر می‌گذارد، در نظر گرفته می‌شود که والدین در سلامت روان، سازگاری اجتماعی، عملکرد تحصیلی و حتی انتخاب‌های شغلی و موفقیت در آینده تأثیر بسیار زیادی بر کودکان دارند (مرز و جک، ۲۰۱۳؛ شارون کواه، ۲۰۱۸). رابطه بهتر والدین و فرزند مهم‌ترین عامل محافظت‌کننده محسوب می‌شود؛ زیرا در اولین و طولانی‌ترین مرحله زندگی رخ می‌دهد (تورنتون و همکاران، ۱۹۹۵). مطالعات نشان می‌دهد که یکی از دلایل عمده اختلالات رفتاری در کودکان و نوجوانان، فرزندآوری والدین است، از جمله مشارکت کم در زندگی کودک، تحریک‌پذیری، نظارت ضعیف و مجازات نادرست (راکز و مک ماهون، ۲۰۱۱). در ادبیات، حمایت والدین و تعارضات خانوادگی غالباً مورد مطالعه قرار گرفته و با علائم درونی‌سازی کودکان همراه بوده است (وانگ و لیو، ۲۰۱۴؛ یاپ و همکاران، ۲۰۱۴)، اما زندگی آینده کودک به‌ندرت مورد توجه قرار گرفته است.

ادبیات در مورد تأثیرات طلاق والدین برای کودکان اغلب به این موضوع معطوف شده است که «آیا تجربه طلاق بر سازگاری پس از طلاق فرزندان تأثیر می‌گذارد و اگر چنین است، چرا و چگونه؟» با وجود پیشرفت‌های مهم، شواهد تجربی در مورد تأثیر طلاق بر فرزندان متفاوت و متناقض است، و در نتیجه‌گیری‌های آن در مورد شدت، مزمن بودن و مضرات طلاق والدین بر تطبیق فرزندان بسیار گسترده است (لانسفورد، ۲۰۰۹). از یک سو، تحقیقات نشان می‌دهد که تأثیر طلاق بر فرزندان برگشت‌ناپذیر و ویرانگر است و کودکان سال‌ها پس از طلاق بار سنگین و طولانی مدت را تحمل می‌کنند، به‌ویژه از نظر بهزیستی روان‌شناختی و روابط اجتماعی (آماتو، ۲۰۱۰؛ هسرنینگتون، ۲۰۰۶؛ سان و لی، ۲۰۰۲؛ ولفینگر، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، تحقیقات نشان می‌دهد که طلاق تأثیرات طولانی‌مدت قابل اندازه‌گیری بر کودکان ندارد و در عوض، بعد از تأثیر اولیه طلاق، بیشتر کودکان به‌خوبی با طلاق والدین خود سازگار می‌شوند (برای نمونه، کلی، ۲۰۰۰؛ کلی و امری، ۲۰۰۳؛ آماتو و عفیفی، ۲۰۰۶؛ اسمیت-گرینوی و کلارک، ۲۰۱۷). برای توضیح این اختلافات، می‌توان نتیجه گرفت که هر دو نتیجه‌گیری ممکن است همزمان برگزار شود. طلاق والدین با نزاع زیاد، خطر بروز ضربه روانی را نشان می‌دهد و در عین حال، ممکن است زمینه‌ای خطرناک باشد که در آن کودکان ممکن است تاب‌آوری نشان دهند (ماستن و سیچتی، ۲۰۱۱).

طلاق والدین، به‌عنوان مجموعه‌ای از درگیری‌ها و چالش‌های مختلف بین خانوادگی قبل و بعد از طلاق، با افزایش خطر ابتلا به عدم سلامت روانی کودک درگیر، همراه بوده است (لیفبرور و دورلیجن، ۲۰۰۶؛ شیمکوفسکی و لدبتر، ۲۰۱۸). مطالعات حاکی از مشکلاتی همچون افسردگی (مارسیک، ۲۰۱۰؛ ساندس و همکاران، ۲۰۱۷؛ جوهنسون و همکاران، ۲۰۱۸)، اضطراب (کارر و ولچیک، ۲۰۱۵؛ لیس و همکاران، ۲۰۱۹)، الکل و مصرف مواد مخدر (تبکا و همکاران، ۲۰۱۶)، مشکلات اجتماعی (تبکا و همکاران، ۲۰۱۶؛ لوچن و روبینو، ۲۰۱۶) یا رفتار پرخاشگرانه (تبکا و همکاران، ۲۰۱۶؛ باستایس و همکاران، ۲۰۱۸) است. افزون بر اینها، یک مطالعه طولی با مشاهده تأثیرات طولانی‌مدت در طلاق والدین، خطر افزایش تغییرات مکرر در شغل فرزندان قبل از ازدواج و شکاف زناشویی را نشان داده است (لامب، ۲۰۱۲).

مطالعه جدیدی که تأثیر طلاق والدین در دوران کودکی را بر رفتار فرزندان در دوران بزرگسالی بررسی کرده است، نشان می‌دهد بزرگسالانی که طلاق والدین خود را در دوران کودکی تجربه کرده‌اند، از عدم بهزیستی، عدم تاب‌آوری و افزایش سطح آسیب‌های دوران کودکی و حساسیت به طرد شدن بیشتری در مقایسه با دیگران را گزارش داده‌اند (ماستون و همکاران، ۲۰۱۱؛ دایک و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد میزان رشد عاطفی و اجتماعی کودکانی که

در خانواده‌های طلاق بزرگ می‌شوند، معمولاً در مقایسه با دیگر کودکانی که در خانواده‌های عادی رشد می‌کنند، کمتر است (مک کاب، ۱۹۹۷).

طلاق به هر دلیل، درست یا نادرست، پیامدهایی دارد، هم برای افراد خانواده و هم برای جامعه؛ برای زن و مرد مشکلات اقتصادی، روانی، عاطفی و اجتماعی ایجاد می‌کند و زوج‌های متارکه کرده را به انزوا می‌کشاند. تأثیر طلاق بر فرزندان بسیار پیچیده است؛ فرزند تک‌والد، ناخواسته درگیر تضادهایی می‌گردد که نه توان درک آن و نه تاب کنار آمدن با آنها را دارد. فرزندان حاصل از چنین ازدواج‌هایی، افزون بر اینکه نیازهایی ویژه دارند، در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی فراوانی قرار می‌گیرند. به‌طوری که یکی از مهم‌ترین و بدخیم‌ترین آسیب‌ها و معضلات خانواده‌های جوامع صنعتی و یا در حال گذار، مانند ایران است (یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴).

هرچند طلاق منجر به از هم‌پاشیدگی کانون خانواده می‌گردد و این گسست خانواده تأثیرات زیانبار فراوانی هم برای والدین و هم برای فرزندان آن خانواده دارد، ولی این پدیده در بسیاری از کشورها رو به افزایش است. نخستین آسیب طلاق به‌گونه مستقیم روی فرزندان تأثیر می‌گذارد و در واقع ضعیف‌ترین و اصلی‌ترین قربانیان بحران طلاق فرزندان هستند؛ به‌ویژه در مواردی که از آنان همچون ابزار و حربه استفاده می‌شود، فرزندان باید در محیطی مناسب و با مراقبت مستمر تربیت شوند، زیرا هر نوع کاستی در این خصوص، موجب انحراف آنان می‌شود. خانواده همچنین در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی فرزند خود نقش بسیار مهمی دارد و نفوذ خانواده بر ابعاد مختلف رشد کودکان انکارناپذیر است (ورشون، ۱۹۹۶). در ادامه به بررسی مطالعات صورت‌گرفته در راستای موضوع پژوهش پرداخته شده است.

یحیی‌زاده و حامد (۱۳۹۴) در فراتحلیل خود به بررسی مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه پرداختند، نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که پژوهش‌های داخلی عمدتاً به سلامت روان و زیرمقیاس‌های آن توجه کرده و در نتیجه نشان می‌دهند که وضعیت فرزندان طلاق در مقایسه با فرزندان یتیم و عادی نامطلوب‌تر است. همچنین برخی از این پژوهش‌ها نیز نشان‌دهنده تأثیر مثبت برنامه‌های مداخله‌ای بر وضعیت فرزندان طلاق است. سرانجام اینکه آنچه در این مطالعات مورد غفلت واقع شده، بررسی آسیب‌های اجتماعی است که فرزندان طلاق را تهدید می‌کند. جلیلی راد و علی‌آبادی (۱۳۹۳) پژوهشی با هدف آسیب‌شناسی پدیده طلاق والدین، تأثیر آن از جنبه‌های مختلف بر زندگی و روان کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه به‌دست‌آمده نشان داد که طلاق در یک جامعه به‌مثابه تزلزل اجتماعی و ناپایداری جامعه است و می‌تواند به کم‌بها شدن خانواده و ارزش‌های خانوادگی بینجامد. ترس از آینده، احساس گناه، احساس تنهایی، مشکلات روحی و روانی و جسمی، مشکل دوگانگی نقش مشکلات اقتصادی، انزوای اجتماعی

و اختلال در هویت، کاهش فرصت‌های ازدواج، کاهش رضایت از زندگی و گرایش ارتکاب به جرم و بزهکاری در زمره پیامدهای زیانبار طلاق است. عبدی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به معرفی و بررسی تأثیر مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری کودکان با طلاق والدینشان پرداختند؛ نتایج حاکی از تأثیر مداخله انجام شده در افزایش ابراز احساسات کودکان و نگرش مثبت آنها نسبت به طلاق والدینشان، کاهش احساسات منفی کودکان نسبت به طلاق والدینشان، بهبود رابطه کودکان با والدین و همسالانشان، و نیز افزایش کاربرد مهارت‌های حل مسئله در آنها می‌باشد. محمدیان (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین طلاق والدین و بزهکاری فرزندان پرداختند. در این تحقیق به مسئله طلاق والدین به عنوان عاملی مهم در بزهکاری فرزندان پرداخته شده است؛ مسئله‌ای که با وجود بهبود وضع زندگی از لحاظ رشد و تحولات در زمینه‌های مختلف و توسعه مراکز و مؤسسات خدمات روان‌شناختی رو به فزونی رفته است و جامعه را با مشکلی جدی روبه‌رو نموده است.

شان و همکارانش (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی این سؤال پرداختند که آیا افراد جوان با والدین مطلقه در معرض خطر ابتلا به اختلالات روانی هستند. افزون بر این، تفاوت در مراقبت از والدین، ارتباط اجتماعی، استرس مزمن و تجربیات آسیب‌زا بین فرزندان والدین مطلقه و غیر مطلقه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در جوانان با والدین مطلقه در مقایسه با جوانان والدین غیر مطلقه، خطر بالاتری برای محور اول اما نه اختلال در محور دوم وجود دارد. شرکت‌کنندگان در خانواده‌های مطلقه نسبت به خانواده‌های بدون طلاق از افسردگی، تنهایی، آسیب در دوران کودکی، اجتناب از دلبستگی، اضطراب دلبستگی، استرس مزمن بیشتر و مراقبت از پدر کمتر برخوردار بودند. افزایش آسیب‌پذیری فرزندان والدین طلاق در ایجاد اختلالات روانی و تجربه بیشتر استرس مزمن، تنهایی، اجتناب از دلبستگی، اضطراب دلبستگی و تجربیات آسیب‌زا در دوران کودکی نگران‌کننده است و اهمیت برنامه‌های پیشگیری و روان‌درمانی را در طول فرایند نشان می‌دهد. طلاق والدین حمایت والدین با توجه به مراقبت‌های لازم برای کمک به والدین در حمایت بهتر فرزندان خود در طول طلاق و بعد از طلاق آنها لازم است. هامر اسمیت (۲۰۲۰) گزارش کردند فرزندان طلاق غالباً در کنار آمدن و درک جدایی والدین با مشکل روبه‌رو هستند. افزون بر این، کودکان معمولاً ضمن تحمل کمبود والدین و درگیری والدین، به والدین کمک می‌کنند. کودکان باید یاد می‌گیرند که با اتفاقات جدید از جمله تصمیمات حضانت، اقامت یک‌شبه و همچنین تغییرات اقتصادی و مسکونی سازگار شوند. با این حال، کودکان انعطاف‌پذیر هستند. زمان سپری شده با والدین، والدین پشتیبان و برخی از مداخلات سلامت روانی می‌تواند موفقیت درازمدت فرزندان را تضمین کند. لی (۲۰۱۸) گزارش کردند که سطح تعارضات ادراک شده در بزرگسالی در هر دو

گروه (مطلقه/غیر مطلقه) به‌طور معناداری قابل مشاهده است، هرچند که در افرادی که طلاق والدین خود را تجربه نکردند کمتر بود. این می‌تواند به این معنا باشد که به خودی خود این جدایی نیست که تأثیرات طولانی مدت طلاق را پیش‌بینی می‌کند، بلکه قرار گرفتن در معرض درگیری والدین است. توماس و هوگناس (۲۰۱۵) با ارائه شواهدی مبنی بر تأثیر کلی طلاق والدین بر سلامت بزرگسالان و با شناسایی مهم‌ترین واسطه‌ها نشان دادند که استعمال سیگار ممکن است یک رفتار اتخاذشده توسط کودکان برای مقابله با فشارهای روانی و عاطفی مرتبط با طلاق والدین باشد. دیمیر داگداس و همکاران (۲۰۱۸) نشان داده است که فرزندان طلاق که در معرض سطوح بالای تعارض والدین قرار دارند، نسبت به افراد با والدین بدون تعارض، بیشتر در معرض پیامدهای مخرب درگیری و تعارض در بزرگسالی و تجارب منفی آموزشی هستند. نتیجه به‌دست آمده، این مهم را مورد تأکید قرار می‌دهد که طلاق، هنگامی با سطح بالایی از تعارض والدین همراه می‌شود، منجر به ضعف در برقراری روابط می‌شود. در عوض، یافته‌های نشان داد که بزرگسالانی که میزان بالایی اجتناب از دلبستگی دارند، ممکن است ناشی از احساس تهدید کودکان از درگیری والدین باشد. مطالعه جوهنسون و همکاران (۲۰۱۸) حاکی از درک عمیق‌تر درباره چگونگی زندگی کودکان در دو خانه پس از جدایی والدین از زندگی روزمره آنهاست. نتایج این مطالعه نشان داد که زندگی در دو خانه مانند زندگی در دو جهان است. بچه‌ها با احساس از دست دادن، وفاداری و دلبستگی درگیرند. جدایی والدین و زندگی در دو خانه می‌تواند برای کودکان استرس‌زا باشد. کودکان بین احساس وفاداری نسبت به والدین و تمایل به آرامش و ثبات در زندگی روزمره خود دچار سردرگمی هستند. از این رو یک رویکرد کودک محور برای توسعه پشتیبانی با تمرکز بر نیازها و دیدگاه‌های کودکان پس از طلاق والدین از اهمیت بالایی برخوردار است. تامپسون و همکاران (۲۰۱۷) در یک فراتحلیل نشان داد که طلاق والدین در دوران کودکی احتمال افسردگی در بزرگسالی برای فرزندان را افزایش می‌دهد. این نتایج حاکی از نیاز به اقدامات پیشگیرانه اولیه برای کودکان طلاق است؛ زیرا خطر بیشتری برای بروز اختلالات عاطفی در بزرگسالی وجود دارد. فلدهاوس و هاینتز-مارتین (۲۰۱۵) نتیجه‌گیری کردند در والدینی که ازدواج نکرده‌اند سلامت روان و مشکلات رفتاری بیشتری از والدینی است که بعد طلاق مجدد ازدواج کرده‌اند، والدین مجرد که رابطه آنها قبل از تولد فرزند به پایان رسیده در مقایسه با گروه‌های دیگر والدین مجرد اختلالات بیشتری دارند. پژوهش ماندیماکرز و کالمیزن (۲۰۱۴) نشان داد که تأثیر منفی طلاق والدین بر بهزیستی روان‌شناختی برای مادران دارای تحصیلات بهتر و خانواده‌هایی که منابع اقتصادی بیشتری قبل از طلاق دارند کمتر است، اما برای پدران دارای تحصیلات بهتر افزایش می‌یابد. نتیجه تحقیق ایسون و همکاران (۲۰۱۱) حاکی از اثرات نامطلوب طلاق بر سلامت روان و آسایش اجتماعی

کودکان و نوجوانان می‌باشد. بیشتر این مشکلات از یک سوی توسط جامعه و خانواده و از سوی دیگر به لحاظ نیازهای اقتصادی بر آنها تحمیل شده است و باعث می‌شود آنان تحت فشارهای روحی و روانی بسیاری قرار بگیرند.

یک فراتحلیل اخیراً در مورد تأثیر طلاق والدین بر اختلالات عاطفی، نیاز به ارزیابی اختلالات بالینی را نشان می‌دهد. افزون بر این، مطالعات قبلی بیشتر به جای ارزیابی طیف وسیع‌تری از اختلالات روانی به ارزیابی تنها بعد خاصی (برای نمونه افسردگی) متکی بوده‌اند (ساندس و همکاران، ۲۰۱۷). برنان و شیور (۱۹۹۸) مشاهده کردند که جوانان با والدین مطلقه نامنی بیشتری را در مقایسه با دیگران تجربه کرده‌اند و بیشتر در معرض خطر اختلالات شخصیتی و روانی قرار دارند. با این همه، بیشتر بررسی‌ها فقط برای ارزیابی اختلالات روانی و وضعیت روانی تک بعدی بوده و جنبه‌هایی از مسائل روانی را در نظر گرفته‌اند و به پرسشنامه‌های خود گزارش اعتماد داشتند. در حالی که پرسشنامه‌های خود گزارش از اعتبار یک تشخیص بالینی پشتیبانی نمی‌کنند، آنها برای طبقه‌بندی و تشخیص بالینی طراحی نشده‌اند. بنابراین، مهم است که بررسی شود آیا نتایج گزارش شده توسط مطالعات با استفاده از پرسشنامه‌های خود گزارش‌دهی، قابل تعمیم است و می‌توان با مصاحبه‌های بالینی ساختاری، که به‌طور خاص برای اهداف تشخیصی طراحی شده‌اند، تکمیل شود. از طرفی با توجه به پیامدهای مهم طلاق والدین بر سلامت روان فرزندان، درک تأثیر روانی آن بر خانواده و رشد اجتماعی کودک بسیار مهم است. این اولین مطالعه برای بررسی آسیب‌پذیری فرزندان طلاق در بزرگسالی و در مقایسه برای اختلالات روانی با استفاده از مصاحبه بالینی ساختاری و پرسشنامه خودگزارش‌دهی به‌صورت ترکیبی و اکتشافی است. افزون بر این، پیامدهای طولانی‌مدت مربوط به طلاق بر وضعیت روانی فرزندان طلاق به‌صورت مدل ساختاری و اکتشافی برای اولین بار مورد بررسی قرار گرفت. درک بهتر از پیامدهای ناگوار طلاق والدین در مورد فرزندان در بروز اختلالات روانی و تجربه‌های آسیب‌زای خاص می‌تواند به تدوین برنامه‌های ویژه پیشگیری از کودکان در سالم ماندن در طی طلاق والدین کمک کند. بنابراین و با توجه به مطالب ارائه‌شده، هدف پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی چه شاخص‌ها و ویژگی‌هایی دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه کیفی و با استفاده از روش نظریه برخواسته از داده‌ها انجام شد. در بخش اول با مرور ادبیات پژوهش، سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در زمینه وضعیت روانی فرزندان طلاق تدوین شد و در جلساتی مورد بحث پژوهشگران و استادان و صاحب‌نظران قرار گرفت،

تا صحت محتوا و کفایت آنها بررسی شود و در مورد محتوای مصاحبه و سؤال‌های آن اجماع نظر حاصل گردید؛ به نحوی که با صحت محتوا و کفایت سؤالات تدوین شده بتوان وضعیت روانی فرزندان طلاق را از نظر متخصصان جویا شد. بنابراین در این پژوهش برای اینکه تمام حوزه‌های آسیب‌پذیری فرزندان طلاق پوشش داده شود و انواع مشابهی از داده‌ها استخراج شود و همچنین به علت انعطاف‌پذیری از مصاحبه نیمه‌ساختار استفاده شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش فرزندان طلاق شهر تهران که ۱۰ سال از طلاق والدینشان گذشته بود. با استفاده از روش نمونه-گیری هدفمند^۱ با ۱۸ نفر مصاحبه به عمل آمد. نمونه‌گیری تا حد اشباع مقوله یعنی تا جایی که در جریان مصاحبه‌ها هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیاید، ادامه یافت.

برای تجزیه و تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته، مفهوم‌سازی و استخراج مقوله‌ها از روش سیستماتیک استفاده شد. طرح تحقیق سیستماتیک در نظریه برخاسته از داده‌ها، بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی تأکید دارد.

پس از انجام کدگذاری لازم بود که مشخص شود آیا تبیین نظری پژوهشگران مقاله از نظر شرکت‌کنندگان معنادار است یا نه، و نیز از صحت وقایع و توالی آنها در فرایند نظریه، اطمینان حاصل شود. به منظور رسیدن به این اهداف، نتایج تحلیل به ۴ نفر از مشارکت ارائه شد و فرایند رسیدن به دیالوگ برای آنها تشریح گردید. یافته‌های حاصل از این کار، یافته‌های کلی پژوهش را تأیید کرد. همچنین از تکنیک زاویه‌بندی کریستینسن هم برای ارزیابی اعتبار و کیفیت یافته‌ها استفاده شد. در این راستا سعی شده است با درگیری مداوم و مستمر ذهنی با داده‌ها، وسعت اطلاعات و عمق دادن اطلاعات امکان‌پذیر شود. برای نیل به این هدف پس از کدگذاری داده‌ها توسط پژوهشگر، از دو نفر خواسته شد که برخی از مصاحبه‌ها را کدگذاری کنند تا صحت و اعتبار کدگذاری و مقوله‌های به دست آمده را ارزیابی کنند و نتایج این بخش مشابهت داشت با کدگذاری که در مرحله قبل صورت گرفته بود.

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی است. در این راستا از رویکرد پژوهشی کیفی بهره برده شد که در قسمت کیفی روش نظریه برخاسته از داده‌ها بود. در اینجا نیز از میان رویکردهای موجود، رویکرد نظام‌مند استراس و کوربین (۱۳۹۰) را مورد استفاده قرار گرفت که خود آن نیز جهت ارائه مدل دارای

مدلی نظام‌مند به‌عنوان مدلی پارادایمی است و داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل می‌شوند.

کدگذاری باز و کدگذاری محوری

در طول مرحله کدگذاری باز و محوری، داده‌ها به دقت مورد بررسی قرار گرفتند، مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی مربوط به آنها مشخص شدند، ابعاد و ویژگی‌ها تعیین شد و الگو مورد بررسی قرار گرفت. برای این تحلیل‌ها، تکنیک‌های تحلیلی پیشنهاد شده توسط استراس و کوربین (۱۳۹۰) مورد استفاده قرار گرفت. واحد اصلی تحلیل برای کدگذاری باز و محوری مفاهیم بودند. هنگام تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها، مفاهیم از طریق عنوان‌گذاری توسط محقق، به‌طور مستقیم از رونوشت مصاحبه شرکت‌کنندگان (کدهای زنده^۱) و یا با توجه به موارد مشترک کاربرد آنها، ایجاد شدند.

نسخه‌های پیاده‌شده مصاحبه‌ها برای یافتن مقوله‌های اصلی، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد این مقولات به‌طور منظم مورد بررسی قرار گرفتند. استراس و کوربین (۱۳۹۰) اصطلاحات فوق را به این شرح تعریف نموده‌اند: مفاهیم: «واحدهای سازنده تئوری یا برجسب‌های ذهنی جداگانه به پدیده‌ها»؛ مقوله‌ها^۲: «طبقه‌بندی مفاهیم سازنده پدیده در سطحی بالاتر»؛ مقوله‌های فرعی: «مفاهیم مرتبط با یک مقوله به همراه توضیحات و مشخصات بیشتر»؛ ویژگی‌ها: «خصیصه‌هایی که به هر مقوله مرتبط می‌شوند و تعریف و شرح بیشتری در مورد ابعاد آن می‌دهند» و ابعاد: «محل ویژگی‌ها را در امتداد یک طیف پیوسته نشان می‌دهند».

با توجه به راهنمای ارائه شده توسط استراس و کوربین (۱۳۹۰) در مورد انجام کدگذاری باز و محوری، باید گفت که ابتدا با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند و در مرحله بعدی آن مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگتری قرار گرفتند بعد از این مرحله سعی شد که مقولات نیز در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی گردند. در مرحله دوم که کدگذاری محوری است، ابتدا مقوله اصلی تعیین شد، سپس دیگر مقوله‌ها در قالب مؤلفه‌های اصلی دسته‌بندی شدند. و در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی نظریه برخاسته از داده‌ها فراهم آمد. گفتنی است که کدهای باز فراوانی به‌دست آمد، ولی بعد از هر مرحله طبقه‌بندی و بررسی داده‌ها مفاهیم تکراری حذف و مفاهیم مشابه در هم ادغام می‌شدند تا اینکه به مدل مورد نظر رسیدیم. همچنین باید افزود که تجزیه و تحلیل داده‌ها با دقت بیش از ده بار جهت رسیدن به اشباع نظری^۳ برای مقوله‌های اصلی، مقوله‌های

-
1. In vivo
 2. Subcategories
 3. Reasonable Saturation

فرعی و ابعاد آنها به صورت تکراری انجام شد. حدود هر مقوله اصلی و مقوله‌ها در آغاز تجزیه و تحلیل به صورت قطعی تعیین نشد و این مقوله‌ها در سراسر تجزیه و تحلیل مورد تجدید نظر قرار گرفتند. کدگذاری باز و محوری هنگامی متوقف شد که:

(الف) یک طبقه‌بندی معنادار پس از بررسی چندباره رونوشت مصاحبه‌ها حاصل شد؛

(ب) خرده مقولات و ویژگی‌ها تکراری شده بودند؛

(ج) اطلاعات مرتبط و جدیدی از رونوشت مصاحبه‌ها یافت نمی‌شد، حتی اگر اطلاعات جدیدی پیدا می‌شد با طبقه‌بندی موجود منطبق بود.

جدول‌های زیر طبق سؤالات پژوهشی مطرح‌شده اتخاذ و طبقه‌بندی نهایی را نشان می‌دهند. این طبقه‌بندی را نباید به‌عنوان تنها طبقه‌بندی ممکن با حدود مطلق در نظر گرفت. با این حال، می‌توان آن را برای مراحل بعدی تجزیه و تحلیل داده‌ها و طراحی پرسشنامه کافی دانست. در ادامه موارد و نمونه‌هایی از فرایند کدگذاری باز و محوری ارائه شده است

در زمینه سؤال اول «چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتورت بوده برای تلاش بیشتر؟» یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت که:

« این سؤال سوم که چه احساسی باعث شده که من از خطا دور بمونم. البته خب خطا خیلی کلی هست و من دقیقاً منظورتون از خطا رو متوجه نمی‌شم. ولی توی این سال‌ها یعنی سالی که پدر و مادرم طلاقشون رسمی و قانونی شد، من یادمه که ترم دوم کارشناسی بودم. فک می‌کنم یک انگیزه اصلی در من وجود داشت که تو این سال‌ها کار کنم، مستقل بشم و درآمد داشته باشم و در کنارش درس بخونم {استقلال، داشتن انگیزه برای استقلال و ادامه تحصیل}. فکر می‌کنم یک چیز مهم این بود که واقعاً روزهای مهم هوشمند هست، توانمند هست، ولی به واسطه‌ای که توش گیر کرده بود با دو تا بچه هیچ کاری نمی‌تونه بکنه و فقط منتظره که این بچه‌ها بزرگ بشن. بچه‌ها به چشم خودشون اون شرایط سخت‌تر رو ببینند و بعد بشه تصمیم عاقلانه‌ای گرفت {داشتن هدف در زندگی}. واقعاً فکر می‌کنم موتور محرکه من دیدن زندگی مادرم بود و اینکه نمی‌خواستم شبیه اون آدم باشم. نمی‌خواستم سختی‌هایی از اون جنس بکشم. چون راه چاره این بود که کار کنم، درس بخونم و واقعاً هدف‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته باشم که خودم و مادرم و برادرم از طریق اون‌ها بتونیم ساختار جدید زندگی مون رو توی یک فرمت جدید تعریف کنیم {داشتن هدف در زندگی}».

در مورد سؤال دوم «تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده؟» یکی از مطلعان اظهار داشت که :

«... این مسئله که تحصیل و ادامه تحصیل تو زندگی چه جایگاهی دارد و انگیزه من از ادامه تحصیل چیه، باید بگم که حقیقتاً مادرم تو زندگیم الگوی انتخاب‌هام بوده. همیشه ادامه تحصیل برای مامانم خیلی مهم بوده {خواست والدین}. یکی از دغدغه‌های ذهنیش بود. یکی از چیزهایی بود که بهش اهمیت می‌داد و به نظرش عاملی بود برای رشد و پیشرفت. حالا درست و غلطش رو نمی‌دونم. این داستان رو مادر بزرگم هم در ما تقویت می‌کرد. حرف همیشگی مادرم این بود که درس بخونید، لیسانس، فوق لیسانس بگیرید و توی یک مقطع درسی نمونید. حتی بعد از اینکه مامانم جدا شد، دوباره شروع کرد به خوندن در یک مقطع بالاتر و ادامه تحصیل بهش کمک کرد که بتونه خیلی راحت شغل بهتری پیدا کنه و انتخاب‌های بهتری داشته باشه. و اینکه من هم حقیقتاً این ذهنیت رو دارم. تا به حدی می‌تونم بگم که مامانمو دیدم که چقدر برایش این داستان مهم بود. و مورد بعدی اینکه فارغ از اینکه حالا جامعه مدرک‌گرای ایران چقدر شما رو سوق میده به سمت اینکه بخواهید مدارک بالاتری بگیرید. ولی من هم نظرم این بود و همیشه ته ذهنم فکر می‌کردم که اگر بخوام مدرک بهتری بگیرم، قاعدتاً انتخاب‌های بهتری خواهم داشت و تو حیطه‌های کاری من هم شرایط بهتر و مساعدتر می‌شه {انگیزه اقتصادی و مادی}. حتی تو زمینه‌های زندگی فردی برای خودم و مثلاً یک چیزی که مادرم همیشه می‌گفت این بود که تحصیل به ما کمک می‌کنه که ذهنمون رو شیفت کنیم از اون شرایط سخت و تمرکز مون رو بذاریم روی درس خوندن {تمرکز بر تحصیل و فراغت از مسائل دیگر}. این چیزها برای من انگیزه بود. اینکه پیشرفت زندگی یعنی پیشرفت در حیطه‌های فردی، اجتماعی، شغلی. اینا چیزایی بود که همیشه تو بحث ادامه تحصیل برای من ضروری و مهم بود {پیشرفت در حیطه‌های فردی، اجتماعی، شغلی}».

در مورد سؤال سوم «سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل» یکی از مصاحبه‌ها اظهار داشت که:

«دوستام بهم میگن باوفا، منضبط، مسئولیت‌پذیر و با شخصیت و مادرم می‌گه خوش قلب، با شعور و با اراده»

بنابراین و بر اساس فرایند کدگذاری باز به تفکیک سؤال‌های پژوهشی کدهای استخراج شده برای سؤال‌های پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

جدول شماره ۱. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه اول (۳۲ ساله، کارشناسی ارشد حقوق جزا، جرم‌شناسی و وکیل پایه یک دادگستری؛ ۱۷ سال جدایی)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
	اون خشم، اثبات کردن خودم به دیگران باعث شد که من مدام دور نگه داشته بشم و اینکه واقعاً مامانم خیلی آدم روشنفکری هستش خودمم خسته شده بودم از دعوای مامان و بابام {کم آوردن}.	خشم، اثبات کردن خود به دیگران کم آوردن
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	و اینکه دیدم کاملاً حق با مامانم. چون بابام داره الکی اذیت می‌کنه {جانبداری از یک نفر از والدین، حق دادن}.	جانبداری از والد سرپرست، حق دادن
	خشمم باعث شد که من روی هدفم فوکوس کنم و به نتیجه برسم {داشتن هدف}.	داشتن هدف
	اصلاً دیگه به درد نمی‌خوره و اینا باید از هم جدا بشن {قدرت تشخیص}.	قدرت تشخیص
	چون باعث شد که ما الان به اون چیزی که هستیم برسیم {نگرش مثبت به خود}.	نگرش مثبت به خود
	یعنی یاد گرفتم وارد حریم خصوصی کسی نشم اصلاً. و به نظر خودم این خصوصیاتم رو خیلی دوست دارم.	تسلط بر محیط
	در مورد خود من هم همین صدق می‌کنه که اول همین خانواده و تأثیراتش با مادر بزرگم که معلم بازنشسته هستش	ادامه تحصیل با حمایت خانواده والد سرپرست
	دوستان صمیمی من اصرار داشتن که بریم امتحان ارشد بدیم، بریم کانون و کلا	تشویق و همراهی دوستان
	میدونی یک حالتی هست که همه دوست دارن بخونن و منم توش مستثنا نشدم	دارای احساس رشد مستمر
تحصیل و درس خوندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.	دخترها موفق‌تر هستند چون از لحاظ شغلی براشون خیلی کم هستش به مراتب سعی می‌کنن که مدام درس بخونن	انگیزش به خاطر فرهنگ حاکم بر جامعه
	بتونی یک تیرتی به دست بیاری تا شغل به دست بیاری	تحصیل برای اشتغال و انگیزه مادی
	استادها تو مغزت می‌کنن که باید امتحان کانون بدید	تحت تأثیر حرف دیگران
	برای همین دخترها برای اینکه تو خونه هی کسی بهشون گیر نده و بتونن راحت باشن و وارد جامعه هم باشن درس می‌خونن	وارد اجتماع شدن

چون الگو برای من بودند، من هم به دانشگاه الگو قرار دادن والد سرپرست فکر کردم و بعد وارد دانشگاه شدم. موفق در تحصیلات

ناکام

سه تا از ویژگی‌های خودت

سرخورده

جدول شماره ۲. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه دوم (۳۳ ساله: کارشناسی ارشد نرم افزار و دانشجوی دکتری نرم افزار: ۹ سال جدایی)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	اینکه در راه رسیدن به موفقیت بدون خطا بوده‌ام، اینطور نیست. چون راهنمای درستی نداشتم همیشه برای موفقیت با تمام وجود می‌جنگم همیشه هدفم توجیه‌گر راهم بوده.	نداشتن هدایتگر و راهنما خودمختار و متکی بودن به خود داشتن هدف
تحصیل و درس خوندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.	تمام لحظه‌ها همچین تصویری جلوی چشمم بود که اگر نفر اول نباشم قطعاً سرنوشت خیلی بدی پیدا می‌کنم چون هیچوقت هیچ کسی نیست که ازم حمایتی بکنه انگیزه‌ام این بود که هم خودم پیشرفت می‌کنم و هم یه خورده مادر و پدرم رو بتونم از این منجلابی که هست بیرون بیارم. احساس مسئولیتی می‌کردم.	ادامه دادن برای رسیدن چون همیشه موفق بودن و رتبه‌های عالی داشتم به هدف و انگیزش درونی ترس از موقعیت اجتماعی نامناسب ناامیدی از حمایت دیگران احساس مسئولیت در ادامه تحصیل
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	بسیار صبور و سازشگر و منعطف با دیگر افراد بسیار با پشتکار و تلاشگر شجاع مسئول	

جدول شماره ۳. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه سوم (-۲۷ سال، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، ۱۱ سال)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
منفی	فکر می‌کنم موتور محرکه من دیدن زندگی مادرم بود و اینکه نمی‌خواستم شبیه اون باشم. نمی‌خواستم سختی‌هایی از اون جنس بکشم	فرار از موقعیت زندگی قبلی
مثبت	انگیزه اصلی در من وجود داشت که تو این سال‌ها کار کنم، مستقل بشم و درآمد داشته باشم و در کنارش درس بخونم.	استقلال، داشتن انگیزه برای استقلال و ادامه تحصیل توانایی انتخاب و یا ایجاد بافت‌های متناسب با ارزش‌ها و نیازهای شخصی
تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده؟	باید بگم که حقیقتاً مادرم تو زندگیم الگوی انتخاب‌هام بوده. همیشه ادامه تحصیل برای مامانم خیلی مهم بوده. حرف مادرم این بود که درس بخونید و توی یک مقطع درسی نمونید. حتی بعد از اینکه مامانم جدا شد، دوباره شروع کرد به خواندن یک مقطع بالاتر و ادامه تحصیل بهش کمک کرد که بتونه خیلی راحت شغل بهتری پیدا کنه و انتخاب‌های بهتری داشته باشه. می‌دونستم اگه مدرک بهتری بگیرم قاعدتاً انتخاب‌های بهتری خواهم داشت و شرایط مساعدتر میشه	در خواست والد سرپرست اشتغال انگیزه اقتصادی و مادی
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	اینکه پیشرفت زندگی یعنی پیشرفت توی حیطه‌های فردی، اجتماعی و شغلی. ذهنمون رو شیفتم کنیم از اون شرایط سخت و تمرکزمون رو بذاریم روی درس خواندن.	پیشرفت توی حیطه‌های فردی، اجتماعی و شغلی تمرکز بر تحصیل و فراغت از مسائل دیگر
	صداقت برنامه‌ریزی خانواده‌دوستی	

جدول شماره ۴. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه چهارم (۳۷ ساله، ۲ تا فوق لیسانس دارم و ۳۵ ساله جدا از هم هستن)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	منفی انگیزه من برای موفقیت این بود که مثل اونها نباشم و دستم تو جیب خودم باشه و خودم برای خودم تصمیم بگیرم.	داشتن هدف در زندگی
تحصیل و درس خوندن در زندگیات چه جایگاهی داشته و انگیزهات از ادامه تحصیل چی بوده؟	چون موفقیت تحصیلی نداشتم، با تحصیلات می‌خواستم زندگیمو تغییر بدم	ایجاد تغییر در زندگی شخصی
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	دوستام بهم میگن باوفا، منضبط، مسئولیت‌پذیر و باشخصیت مادرم میگه خوش قلب، با شعور و با اراده	

جدول شماره ۵. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه پنجم (۴۰ ساله کارشناسی پژوهشگری اجتماعی)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	حس می‌کردم که اگر بودن، من آرامشی که اون موقع داشتم رو حتماً نمی‌داشتم شاید دوستت دارم رو خیلی راحت ابراز نمی‌کنم و یا کسیو وارد حریم نمی‌کنم. و اینکه خیلی راحت نمی‌تونم باور کنم که یک کسی واقعاً منو خیلی دوست داشته باشه.	تکرار تجارب منفی
این احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	این احساس که انسان باشم و انسان‌تر بشم، این احساس که آدم‌های بزرگی در طول تاریخ زحمت کشیدن تا بار امانت مفهوم انسان بودن حفظ بشه و من عاشق اون آدم‌هام	نگران بودن درباره ارزش‌بایی‌ها و انتظارات دیگران
مثبت حتی بالاتر از من همچنان مسائلش می‌تونه توی زندگی من نقش بازی کنه یعنی همچنان من باید دهنده رشد و تغییر شخصیت خیلی مراقب باشم که درگیر نشم تازه می‌فهمم که ریشه این واکنش من یا این احساس من برمی‌گرده به اون جدایی	چون من مادر ندارم، من پدر ندارم. انکا به قضاوت دیگران برای تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی	تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی
	تغییر شرایط موجود	
	تغییر به گونه‌ای که نشان	
	پذیرش ابعاد خوب و بد وجود خود	

تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.	اول اینکه ادامه تحصیل مثل باز شدن پنجره‌ای برای کشف و فهم بیشتر از موضوعات هست به صورت متمرکز وجدی و دوم اینکه احساس امنیت و بیهوده نبودن و اینکه ابزار مهمی هست برای استقلال	کشف و شهود در سایه تحصیل و تحصیل علم برای یادگیری بیشتر برای اعتماد به نفس مستقل شدن
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	حامی و همراه مگر اینکه کاری خلاف اعتقادم باشه، نه خلاف سلیقه منتقد و ریزبین مشتاق کشف و یادگرفتن	

جدول شماره ۶. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه ششم (سی و پنج ساله‌ام و دانشجوی دکتری علوم پزشکی تهران هستم. پدر و مادرم سال ۱۳۸۲ از هم جدا شدن. من متولد شهریور ۶۳ هستم.)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	یک بخش هم شاید واقعاً به خاطر سن کم‌مون بود.	عدم درک موقعیت
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	یک بخش هم به خاطر توانایی مادرم در مدیریت مسائل بود و همه اینا دست به دست هم داد تا شرایط رو تحت تأثیر قرار بده.	حمایت والد سرپرست
تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.		
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:		

جدول شماره ۷. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه هفتم (کار دانی الکترونیک هواپیمایی + لیسانس فیزیک مهندسی، پدر و مادرم ۲۹ ساله که جدا شدند. من ۹ ساله بودم)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور احساس می‌کنم یه چیز درونی منو راهنمایی می‌کرد. باید نگاه داشته، یا موتور بوده برای به کاری انجام می‌دادم. نگاهم به دنیا مانند اطرافیانم نبود. تلاش بیشتر؟	در مورد همه چی فکر می‌کردم.	خودمختار و متکی بودن به خود
تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.	۴ بسیار مهم بود. در واقع فکر می‌کردم که تنها همین درس خواندن ازم برمیاد.. پدرم هم همیشه می‌گفت که درس بخونید. براش تحصیلات مهم بود.	بسیار مهم بود به خاطر تشویق والد سرپرست

من هدفی بابت درس خواندن نداشتم. فقط فکر می‌کردم که باید انجام بدم. استعداد و هوش داشتم، ولی بدون داشتن اهداف ناچیز هدف و چشم‌انداز:

سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همهٔ مسائل:	کمالگرا ارادهٔ قوی دارم درونگرا
---	---------------------------------------

جدول شماره ۸. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبهٔ هشتم (۲۲ ساله، لیسانس روان‌شناسی دارم. پدر و مادرم ۱۸ ساله جدا شدن)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	حمایت مادر بزرگم بزرگترین دلیل زندگی‌م بود، منو هل داد سمت موفقیت و از هر لحاظ ساپورت‌م کرد.	حمایت والد سرپرست
تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامهٔ تحصیل چی بوده.	دوستی با یه سری از همکلاسیام که شاگرد اول و دوم بودن باعث شد منم به پیشرفت فکر کنم انگیزه‌م اینه بهتر از همه باشم، رشد کنم و برم بالاتر و نذارم گذشته‌ای که داشتم دست و پامو ببندد و منو شبیه آدمی کنه که هیچ‌وقت دوس نداشتم باشم.	تشویق دوستان معنی داشتن زندگی گذشته و حال

سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همهٔ مسائل:
پشتکار خیلی قوی، صبور بودنم، مهربونیم بدون چشمداشت و به همهٔ کائنات و هستی

جدول شماره ۹. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبهٔ نهم (۳۵ ساله، کارشناس زبان انگلیسی، ۳۰ سال گذشته)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	نجات خودم	نجات خودم
تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامهٔ تحصیل چی بوده.	سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همهٔ مسائل:	

جدول شماره ۱۰. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه دهم (سن ۲۵، متولد ۷۳، تحصیلات: لیسانس معماری)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور من حق زندگی و پیشرفت دارم، من آدم با استعدادی هستم. ننگه داشته یا موتور بوده	دارای احساس رشد مستمر	
برای تلاش بیشتر؟	در شرایط بد موفق شدن هنره وگرنه موفقیت تو زندگی	تلقی خود به عنوان
	روتین بدون مشکل یه وظیفه س	موجودی رشدیابنده
تحصیل و درس خوندن در	قطعاً تحصیل جایگاه مهمی داشته، چون آدم باید باسواد باشه	تحصیل علم برای
زندگی ات چه جایگاهی داشته	آگاهی داشته باشه	افزایش آگاهی،
و انگیزهات از ادامه تحصیل	جایگاه اجتماعی بالا بره، البته چه تحصیلی باشه هم مهمه	بالا بردن جایگاه اجتماعی
چی بوده.		
سه تا از مهم ترین ویژگی های	با پشتکار و تلاشگر_جست و جوگر و کنجکاو_عصبی و	
خودت، فارغ از همه مسائل:	پر خاشگر اما مهربون	

جدول شماره ۱۱. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه یازدهم (متولد ۱۳۷۸ هستم، امروز ۲۱ ساله شدم، در حال تحصیل در دوره کارشناسی رشته روان شناسی هستم. حدود ۱۸ ساله که جدا شدن)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور ننگه	اینکه من بجز بابام هیچ کسی رو توی این زندگی ندارم، نه خودمختار و	
داشته یا موتور بوده برای تلاش	مادری نه خواهری نه برادری و دور از جونش بعد از اون باید متکی بودن به	
بیشتر؟	رو پای خودم و ایسم.	خود
تحصیل و درس خوندن در زندگی ات	همیشه سخت تلاش کردم براش. رتبه خوبی هم آوردم، اما	داشتن هدف
چه جایگاهی داشته و انگیزهات از	دلتم می خواست روان شناسی بخونم و همین باعث شد که	در زندگی
ادامه تحصیل چی بوده؟	حتی دانشگاه آزاد برم سراغ رشته مورد علاقه	
	آدم صبوری ام و تا حدودی عصبانیتم لحظه ای و سریع یادم	
سه تا از مهم ترین ویژگی های خودت،	میره داستانو	
فارغ از همه مسائل:	قدر چیزایی که دارم میدونم	
	اما یه سری چیزا تو زندگیم برام عقده شده	

جدول شماره ۱۲. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه دوازدهم (۲۳ساله، تحصیلات: لیسانس ژنتیک. الان تقریباً ۱۰ ساله که جدا شدن)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا	حتی اگر کار خارج از عرفی هم می کردم، همیشه در جریان	
دور ننگه داشته یا موتور	میداشتمشون و اونا هم خیلی COOL برخورد می کردن و خوب	رفتار مناسب اطرافیان
بوده برای تلاش بیشتر؟	این نوع رفتارشون با من باعث می شد که سرکش و شر نباشم و اونقدر خطا نکنم.	

می‌دونستم که هر کمکی از شون درخواست کنم واسم انجام می‌دن و خب این خودش حس خوبی به آدم می‌ده که هر کاری رو که انتخاب کنه اونا بدون پرسشی بهت احترام میدارن و رضایت‌بخش با والدین کمکت می‌کنن

تأمین آینده	تحصیل واسه من مثل بقیه س، به هر حال آدم هر کاری که بخواد در آینده انجام بده باید واسش آموزش ببینه.	تحصیل و درس خوندن
علاقه شخصی	واقعاً درس خوندن رو دوست داشتم همیشه (با اینکه هیچ وقت شاگرد اول نبودم و یا معدل آنجانی نداشتم) ولی از نظر من قشنگه و وقت تلف کردن نیست.	داشتن از ادامه
داشتن برنامه برای آینده، آینده داشتن	با ادامه تحصیل بتونم در آینده به چیزی که دوست دارم برسم	تحصیل چی بوده.
	راحت با اطرافیان آرام مثبت نگر	سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:

جدول شماره ۱۳. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه سیزدهم (۳۶ ساله ام. دکتر دارم. ۲۸-۲۷ ساله پدر و مادرم از هم جدا شدند)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
اول اینکه درباره پدر و مادر من حرف بد نزنید. خیلی هم خوبن. حالا نیستن ولی به شما چه. من می‌تونم موفق باشم. یکیش این بود.	نگران بودن درباره ارزش‌یابی‌ها و انتظارات دیگران	اول اینکه درباره پدر و مادر من حرف بد نزنید. خیلی هم خوبن. حالا نیستن ولی به شما چه. من می‌تونم موفق باشم. یکیش این بود.
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	بابای من همیشه می‌گفت بهترین باش، تلاش کن، خب این الان که فکر می‌کنم خیلی خوب نبود. من از زندگیم لذت نمی‌بردم چون همیشه داشتم تلاش می‌کردم	اتکا به قضاوت دیگران برای تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی
ولی شاید یک بُعدهایی از زندگی خیلی کیف نکردم، خیلی خوش نگذروندم. خیلی جوانی نکردم. این بود که همیشه تلاش می‌کردم.	من درس خوندن رو دوست داشتم، رشته‌ام رو دوست داشتم و ازش لذت می‌بردم.	ناکام و سرخورده از آنچه در گذشته رخ داده است.
تحصیل و درس خوندن در زندگی چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.	اینکه دلم می‌خواست به دیگران ثابت کنم که مامان و بابا نیستن هیچ ربطی نداره، من می‌تونم دکتر باشم.	علاقه شخصی اثبات خود به دیگران
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	مستقل، پرتلاش، خوش مشرب، درونگرا و حامی	

جدول شماره ۱۴. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه چهاردهم (دیروز شدم ۳۲ ساله)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	کم نیاردم و می‌دونستم اگر پسرقت کنم برمی‌گردم به دوران بچگی و سختی‌هایی که دوران بچگی کشیدم، به انضمام اینکه یک نفر دیگه رو هم آورده بودم تو زندگی خودم، اونم با خودم بدبخت می‌کردم.	پذیرش ابعاد خوب و بد وجود خود
الان الحمدلله الان ده تا پرسنل دارم و کار می‌کنیم با همدیگه. بعد خونه خوب دارم، ماشین خوب دارم، راه افتادم	اگر پولدار نشم، اگر خودمو بالا نگه ندارم، برمی‌گردم به دوران سختی‌های بچگی که اینو اصلاً دوست ندارم.	آرزومند تغییر کردن و تبدیل شدن به کس دیگر
الان الحمدلله خیلی بیشتر از اون‌ها که باید باشم هستم.	تنظیم رفتار از درون	احساس رضایت از زندگی نسبت به گذشته
تکسین ماشین چاپم، خواستم به مدرکی هم بغلش باشه.	اقتضای شغل	احساس رضایت شخصی
انگیزه‌های خوب بوده. حال و هوای خوبی داشتم که این کارارو کردم.	احساس رضایت شخصی	احساس رضایت شخصی
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	با گذشت، مهربون غمگین، احساسی	

جدول شماره ۱۵. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه پانزدهم (۴۰ ساله. لیسانس مدیریت. جنس: مرد. ۱۱ ساله پدر و مادرم از هم جدا شدن)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	وقتی یک خانواده از هم جدا میشه خیلی آدم احساس تنهایی میکنه. چون ممکنه هر کدوم از اعضای خانواده دنبال زندگی خودشون برن و اینجاست که می‌بینی هیچ حامی‌ای نداری؛ نه پدر و نه مادر.	از دست دادن حامی
تحصیل و درس خوندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.	ولی تو تنهایی‌ها برای خودم تصمیم گرفتم که با قدرت برم جلو.	تلقی از خود به - عنوان موجودی رشدیافته
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	من فقط می‌رفتم دانشگاه که درس بخونم و به شغلی پیدا بکنم.	انگیزه شغلی
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	رک، روراست بد دهن	

جدول شماره ۱۶. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه شانزدهم (۱۵ ساله)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه واسه من حُسن بود و باعث شد از همسن‌هام یا تو جامعه رو داشته یا موتور بوده برای تلاش به جلو باشم و روابط عمومی خوبی داشته باشم و اینکه فقط بودن به خود بیشتر؟	آدم‌های خوب و بد رو زود بفهمم.	خودمختار و متکی بودن به خود
تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.	اینکه دوست داشتم کار کنم. خودمو به اندام و خداروشکر که همه چیزای زیادی یاد گرفتم و پیشرفت خوبی داشت	انگیزه کار
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	زرنگ بودن تو جامعه روابط عمومی بالا کاری بودن	

جدول شماره ۱۷. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه هفدهم (۳۱ ساله، ۱۴ ساله مادر و پدرم که از هم جدا شدن. فقط تا سوم ابتدایی خوندم)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	مادرم اون وقت فقط به فکر زندگی کردن و پر کردن شکم ما و از خدا ترسیدن	نا امیدی از حمایت والد سرپرست
تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده.	به پای خودم ایستادم، به خدا توکل کردم و همه چیز کم کم پیش رفت. به قول معروف قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.	خودمختار و متکی بودن به خود
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:		

جدول شماره ۱۸. کدگذاری باز برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی در مصاحبه هجدهم (۲۲ ساله‌ام، جدایی از دوازده سال پیش)

سؤال مصاحبه	شواهد گفتاری	کد باز
چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟	همون نماز خواندن و روزه گرفتن بهم آرامش میده امید و توکل	
سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل:	و اینکه به مردم خوبی می‌کنم بهم آرامش میده و برای هیچ کس بد نمی‌خوام	حامی

کدگذاری محوری و انتخابی:

پس از کدگذاری باز مصاحبه و استخراج کدهای مصاحبه‌شوندگان، در این مرحله کدهای استخراج‌شده تحت مقوله‌های محوری تنظیم و دسته‌بندی شد. برای دسته‌بندی کدهای استخراج‌شده، ابتدا مقوله‌ها در حوزه محوری وضعیت تحصیلی تقسیم‌بندی شدند. بنابراین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی به تفکیک مورد ارزیابی قرار گرفت.

مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی

برای این کار سؤال‌های سوم «چه احساسی تو رو از خطا دور نگه داشته یا موتور بوده برای تلاش بیشتر؟» و چهارم «تحصیل و درس خواندن در زندگی‌ات چه جایگاهی داشته و انگیزه‌ات از ادامه تحصیل چی بوده؟» مصاحبه به وضعیت آموزشی و مقوله‌های مورد بررسی در این حوزه اختصاص داده شد. در مرحله اول، وضعیت به دو قسمت موتور محرک برای پیشرفت و باانگیزه تحصیل تفکیک شد و در قسمت دوم وضعیت آموزشی در دو مقوله مورد بررسی (موتور محرک در پیشرفت و انگیزه تحصیل) در دو حالت مثبت و منفی تقسیم‌بندی گردید. نتایج کدهای محوری استخراج‌شده به شرح جدول شماره ۱۹ ارائه می‌شود:

جدول شماره ۱۹. کدگذاری محوری برای تدوین مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی

محور اصلی	موقعیت	حالت	کدهای نهایی
موتور محرک در پیشرفت	مثبت	مثبت	داشتن هدف مشخص در زندگی
			قدرت تشخیص برای گزینش راه درست
وضعیت آموزشی	منفی	منفی	نگرش مثبت به خود و توانایی‌های خود
			پیشرفت در حیطه‌های فردی، اجتماعی، شغلی
موتور محرک در پیشرفت	مثبت	مثبت	تسلط بر محیط و تغییر وضعیت موجود
			خودمختار و متکی بودن به خود
وضعیت آموزشی	منفی	منفی	خشم، اثبات کردن خود به دیگران
			نداشتن هدایتگر و راهنما
وضعیت آموزشی	منفی	منفی	نداشتن موقعیت اجتماعی مناسب
			فرار از موقعیت زندگی قبلی
وضعیت آموزشی	منفی	منفی	تکرار تجارب منفی
			نگران بودن درباره‌ی ارزشیابی‌ها و انتظارات دیگران
وضعیت آموزشی	منفی	منفی	اتکا به قضاوت دیگران جهت تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی
			نداشتن موقعیت تحصیلی به خاطر حمایت خانواده‌ی والد سرپرست
انگیزه تحصیل	مثبت	مثبت	تشویق و همراهی دوستان و اطرافیان
			داشتن احساس رشد مستمر برای پیشرفت و ترقی
وضعیت آموزشی	منفی	منفی	تحصیل برای اشتغال و انگیزه مادی
			تلقی خود به عنوان موجودی رشدیابنده
وضعیت آموزشی	منفی	منفی	الگو قرار دادن والد سرپرست موفق در تحصیلات.

استقلال، داشتن انگیزه برای استقلال و ادامه تحصیل.

کشف و شهود در سایه تحصیل و تحصیل علم برای

یادگیری بیشتر

احساس مسئولیت در ادامه تحصیل

ادامه تحصیل برای رسیدن به هدف و انگیزش درونی

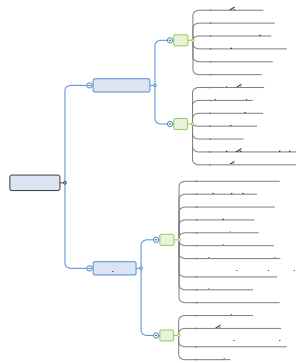
ترس از موقعیت اجتماعی نامناسب

ناامیدی از حمایت دیگران و احساس تنهایی در زندگی

منفی فرار از موقعیت‌های آزار دهنده زندگی و مشغولیت روانی و

فکری

داشتن اهداف ناچیز



شکل ۱. مدل وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی

وبلاخره در قسمت مربوط به ویژگی‌های اظهار شده از طرف افراد نمونه در مورد سؤال «سه تا از مهم‌ترین ویژگی‌های خودت، فارغ از همه مسائل» این ویژگی‌ها از دو جنبه مثبت و منفی طبق جدول شماره ۲۰ تقسیم‌بندی گردید.

جدول شماره ۲۰. کدگذاری محوری برای بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های افراد، فارغ از همه مسائل

مصدق	جنبه	ویژگی
صبور؛ سازشگر؛ منعطف با دیگر افراد؛ بسیار با پشتکار و تلاشگر؛ شجاع؛ مسئول؛ صادق؛ برنامه‌ریز؛ خانواده دوست؛ خوش قلب؛ با شعور؛ با اراده؛ حامی و همراه؛ منتقد و ریزبین؛ مشتاق کشف و یادگرفتن؛ اراده قوی؛ درونگرا؛ قدردان؛ مثبت نگر؛ مستقل؛ خوش مشرب؛ پرتلاش	مثبت	مهم‌ترین ویژگی‌های فرد، فارغ از همه مسائل
ناکام؛ سرخورده؛ عصبانی؛ عقده‌ای؛ غمگین؛ کمالگرا؛ بد دهن؛ احساسی	منفی	

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تعداد زیادی از کودکان که هر سال در معرض طلاق قرار می‌گیرند، یک سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا فرزندان و چگونه با طلاق والدین خود سازگار هستند. این امر به‌ویژه در موارد تعارضات بسیار زیاد، که طلاق در آن بدترین حالت است، اهمیت دارد (فوترینگام و همکاران ۲۰۱۳). با درک این مهم پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در بزرگسالی صورت پذیرفت،

نتایج پژوهش نشان داد که وضعیت آموزشی فرزندان طلاق در دو بعد موتور محرک در پیشرفت و انگیزه تحصیل دارای شاخص‌های مثبت و منفی است، در بعد مثبت موتور محرک در پیشرفت می‌تواند با ایجاد هدف مشخص در زندگی فرزندان طلاق زمینه پیشرفت در حیطه‌های فردی، اجتماعی و شغلی را فراهم آورد، همچنین قدرت تشخیص برای گزینش راه درست با توجه به تجربیات گذشته را در آنها تقویت کند، از جمله شاخص‌های مثبت دیگر می‌توان به نگرش مثبت به خود و توانایی‌های خود اشاره کرد؛ بر این اساس خودکارآمدی و متکی به خود بودن در رفتار آنها قابل مشاهده است که قدرت تسلط بر محیط و تغییر وضعیت موجود را در آنها تقویت می‌کند. روی دیگر این بعد، دربرگیرنده شاخص‌های منفی همچون تلاش برای اثبات کردن خود به دیگران، نداشتن موقعیت اجتماعی مناسب و جای خالی هدایتگر و راهنما در طول مسیر زندگی است که زمینه‌ساز خشونت در رفتار فرد است. از طرفی نیز تجارب تلخ گذشته زمینه فرار از موقعیت‌های قبلی و شاید تکرار تجارب منفی را برای او رقم می‌زند. این افراد همواره نگران ارزیابی‌ها و انتظارات دیگران از خود هستند که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی

تأثیرات منفی داشته باشد. در بعد انگیزه تحصیل نیز شاهد دو قطب مثبت و منفی هستیم. در روی مثبت ادامه تحصیل به واسطه حمایت والد سرپرست خود، داشتن احساس رشد مستمر برای پیشرفت با انگیزه‌های اجتماعی و مالی قابل مشاهده است. تلقی خود به‌عنوان موجود رشدیابنده، زمینه تلاش برای ادامه تحصیل و استقلال را در آنها فراهم می‌کند و در طول مسیر کشف و شهود در سایه تحصیل و تلاش برای یادگیری بیشتر، مسئولیت‌پذیری و انگیزه رسیدن به هدف را در آنها تقویت می‌کند. در بعد منفی اما شاهد ترس از موقعیت‌های اجتماعی هستیم، ناامیدی از حمایت دیگران و احساس تنهایی در زندگی قابل مشاهده است. این افراد از موقعیت‌های آزاردهنده زندگی و مشغولیت روانی و فکری فرار می‌کنند و هدفی روشن برای ادامه زندگی خود انتخاب نکرده‌اند. بررسی مطالعات گذشته نیز مؤید و همسو با یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد؛ چرا در مطالعات قبلی مشخص شد که طلاق والدین تأثیر مثبت (هامر اسمیت، ۲۰۲۰؛ لی و همکارانش، ۲۰۱۸) و تأثیر منفی (محمدیان، ۱۳۹۲؛ جلیلی راد و علی آبادی، ۱۳۹۳؛ یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴؛ ماندیماکرز و کالمیزن، ۲۰۱۴؛ تامپسون و همکاران، ۲۰۱۷؛ جوهنسون و همکاران، ۲۰۱۸؛ شان و همکارانش، ۲۰۱۹؛ توماس و هوگناس، ۲۰۱۵؛ دیمیر داگداس و همکاران، ۲۰۱۸) بر آینده فرزندان خواهد گذاشت.

برای درک نابرابری‌ها در سازگاری کودکان پس از طلاق، مهم است توجه داشت که کودکان در حوزه‌های مختلف زندگی از جمله مدرسه، دوستی، اوقات فراغت و خانواده فعالیت می‌کنند. اگرچه دامنه‌های مختلف ممکن است تا حدودی با هم همپوشانی داشته باشند، اما آنها نیز تا حدی مستقل هستند. در زمینه طلاق، به احتمال زیاد تجربیات خاص طلاق در کودکان (برای نمونه، احساسات، شناخت، رفتار) بر سازگاری کلی آنها با طلاق می‌گذرد (برای نمونه، فلوک و فولیگنی، ۲۰۰۸). در واقع، طلاق والدین می‌تواند احساس درد، نگرانی و پشیمانی طولانی مدت ایجاد کند که بر عملکرد روزانه کودکان در حوزه‌های مختلف تأثیر منفی بگذارد (آلیسیس و همکاران ۲۰۰۸؛ هترینگتون و استنلی-هاگان، ۱۹۹۹). با این همه، ممکن است که تجربیات مربوط به طلاق کودکان تا حدی مستقل از تجربیات خود در دیگر حوزه‌ها باشد، به‌ویژه در درازمدت به‌عنوان زمان افزایش طلاق (کلی و امری، ۲۰۰۳). در این راستا لومن بیلینگز و امری (۲۰۰۰) نشان دادند کودکانی که والدین آنها دو سال یا بیشتر از آنها طلاق گرفته‌اند، در سنجش علائم روان‌شناختی، مانند افسردگی یا اضطراب، کمتر از فرزندان با والدین متأهل پیوسته نیستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کودکان ممکن است هر دو تروما خاص طلاق و تعدیل پس از طلاق را همزمان تجربه کنند.

این خط استدلال به‌خوبی با این ایده که کودکان عوامل فعال هستند که با چالش‌های محیط سازگار می‌شوند، سازگار می‌شود، از این طریق تنظیم خود را شکل می‌دهد (فرانکن هویس و همکاران، ۲۰۱۶؛ سروک، ۲۰۱۹). همچنین با این تصور سازگار است که اتفاقات بد رخ می‌دهد و ممکن است برای بزرگسالان و کودکان آسیب‌زا باشد، اما همه به یک روش واکنش نشان نمی‌دهند (بونانو، ۲۰۰۴). برای نمونه، تحقیقات نشان می‌دهد که در مقابل مشکلات، کودکان افزایش تنوع در رفتار و پیامدهای خود را نشان می‌دهند، زیرا آنها با محیط‌های استرس‌زا متناسب و متفاوت عمل می‌کنند (بلکساون، ۲۰۰۸؛ الیس و همکاران، ۲۰۱۲) از این رو، تمایز بین انعطاف‌پذیری و ناسازگاری با وقایع استرس‌زا با گذشت زمان آشکار می‌شود، که به مسیرهای ناممکن می‌انجامد؛ از اختلال عملکرد مزمن گرفته تا بهبودی (بونانو و دیمینیچ، ۲۰۱۳).

همچنین، ادبیات رو به رشد در مورد انعطاف‌پذیری و نتایج مثبت رشدی که در پی آن وجود دارد، نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است اثرات تجربیات آسیب‌زا از یک حوزه عملکرد (برای نمونه، خانواده) به حوزه دیگر (برای نمونه، مدرسه) سرایت کند (ماستن و سیجتی، ۲۰۱۰)، در عوض، با اینکه در یک دامنه (برای نمونه، سوءاستفاده جنسی، فقر) مشکلاتی وجود دارد، برخی از کودکان و بزرگسالان ممکن است عملکرد صالحی را در چندین حوزه از جمله روابط اجتماعی و شغل و عملکرد مدرسه نشان دهند (ماستن و نارایان، ۲۰۱۲؛ میلر و همکاران، ۲۰۱۱). با گسترش این یافته‌ها به زمینه طلاق والدین، کودک ممکن است (گاهی هم سال‌ها) با پیامدهای اجتماعی و عاطفی ناشی از طلاق والدین مقابله کند، اما ممکن است در صورت انجام وظایف عادی رشد همچون آغاز و حفظ دوستی و نقاط عطفی همچون ادامه تحصیل، مقاومت کند. طلاق والدین برای بسیاری از کودکان به یک چالش رشدی تبدیل شده است. اما به دلیل پیامدهای بسیار زیاد طلاق والدین در زندگی فرزندان همچون درگیری والدین قبل از طلاق، جابه‌جایی احتمالی و تغییر مدرسه، در دسترس نبودن یکی یا هر دو از والدین و یا افزایش تجربیات آسیب‌زا، بسیاری از کودکان احساس سرزنش و رنج می‌کنند و می‌تواند عواقب عظیم اجتماعی و بهداشتی برای آنها به همراه داشته باشد.

امروزه شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه در بسیاری از نقاط جهان نوعی تغییر اساسی در نظام‌های ارزشی و هنجاری جوامع نسبت به خانواده صورت گرفته است. ازدواج بیش از پیش یک نهاد شکننده شده است که در اشکال مختلف، با شدت و ضعف‌های متفاوت و با آثار و پیامدهای گوناگون در کشورهای مختلف جهان به وقوع می‌پیوندد. روند رو به تغییر نرخ‌های طلاق در جوامع گوناگون نشان‌دهنده تغییر ساختارهای جامعه بر این پدیده جهانی است؛ بنابراین نه تنها شناسایی علل و عوامل مؤثر بر آن ضرورت دارد، بلکه آثار درازمدت آن برای فرزندان

طلاق همواره به‌عنوان یک چالش در سراسر زندگی مطرح خواهد بود. گذشته از این، جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر شاهد تغییرات گسترده و سریعی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی خود بوده است. یکی از موارد مهم این تغییرات، تغییر عادت‌ها و رفتارهای اجتماعی در مسئله ازدواج و خانواده می‌باشد. از جمله مهم‌ترین این تغییرات، می‌توان به کاهش نرخ ازدواج، افزایش سن ازدواج، افزایش پرستاب آمار جدایی و طلاق یعنی عواملی که سست شدن ارکان اساس این نهاد مهم اجتماعی را در پی خواهد داشت اشاره کرد، این مهم در درازمدت می‌تواند اثرات نامطلوبی را برای جامعه به همراه داشته باشد؛ چرا که فرزندان طلاق با طیف وسیعی از مشکلات نظیر کاهش اعتماد به‌نفس، افزایش خطر کودک‌آزاری، افزایش میزان طلاق در بزرگسالی، داشتن مشکل در روابط بین شخصی و افزایش میزان بروز اختلالات روانی در بزرگسالی دست به‌گیریانند. با اینکه در برخی مواقع طلاق بهترین گزینه برای یک ازدواج از هم‌پاشیده است و این احتمال وجود دارد که فرزندان طلاق در طول زندگی خود در مسیر درستی قرار بگیرند، با این حال اثرات نامطلوب این پدیده برای آینده آنها بیشتر به چشم می‌خورد.

فهرست منابع

- Abdi, M.R., Pourebrahim, T., & Nazari, M. (2013). *The effect of divorce program intervention program on their adaptation to their parents' divorce*. research family. (Text in Persian).
- Alisic, E., Vander Schoot, T. A., Van Ginkel, J. R., & Kleber, R. J. (2008). Looking beyond posttraumatic stress disorder in children: Posttraumatic stress reactions, posttraumatic growth, and quality of life in a general population sample, *Journal of Clinical Psychiatry*, 69: 1455–1461. <https://doi.org/10.4088/jcp.v69n0913>
- Amato, P. R. (2010). Research on divorce: Continuing trends and new developments, *Journal of Marriage and Family*, 72(3): 650–666. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1741-3737.2010.00723.x>
- Amato, P. R., & Afifi, T. D. (2006). Feeling caught between parents: Adult children's relations with parents and subjective well-being, *Journal of Marriage and Family*, 68(1): 222–235. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1741-3737.2006.00243.x>
- Bastait, K., Pasteels, I., & Mortelmans, D. (2018). How do post-divorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being?, *Journal of Adolescence*, 64: 98–108. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.02.005>
- Blekesaune M. (2008). Partnership Transitions and Mental Distress: Investigating Temporal Order, *J Marriage and Family*, 70: 879–90. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1741-3737.2008.00533.x>
- Bonanno, G. A. (2004). Loss, trauma, and human resilience: Have we underestimated the human capacity to thrive after extremely aversive events?, *American Psychologist*, 59: 20–28.
- Bonanno, G. A., & Diminich, E. D. (2013). Annual Research Review: Positive adjustment to adversity—trajectories of minimal–impact resilience and emergent resilience, *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 54: 378–401.

- Bor, W. A.J., Dean, J., Najman, R., & Hayatbakhsh, A. (2014). Are child and adolescent mental health problems increasing in the 21st century? A systematic review *Aust. N. Z. J. Psychiatry*, 48 :606-616. <https://doi.org/10.1177/0004867414533834>
- Brennan, K.A., & Shaver, P.R., (1998). Attachment styles and personality disorders: their connections to each other and to parental Divorce, parental Death, and perceptions of parental caregiving, *J. Pers*, 66: 835–878. <https://doi.org/10.1111/1467-6494.00034>
- Carr, C.M., & Wolchik, S.A.(2015). Marital Status, Divorce, and Child Development, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*, 42: 518-524.
- Demir-Dagdas, T., Isik-Ercan, Z., Intepe-Tingir, S., & Cava-Tadik, Y.(2017). Parental Divorce and Children From Diverse Backgrounds: Multidisciplinary Perspectives on Mental Health, Parent–Child Relationships, and Educational Experiences, *Journal of Divorce & Remarriage*, 59(6): 469-485. <http://dx.doi.org/10.1080/10502556.2017.1403821>
- Dijk, R., Van der Valk, I.N., & Branje, S.(2020). A meta-analysis on interparental conflict, parenting, and child adjustment in divorced families: Examining mediation using meta-analytic structural equation models, *Clinical Psychology Review*, 79: 101-114. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2020.101861>
- Ellis, B. J., Del Giudice, M., Dishion, T. J., Figueredo, A. J., Gray, P., & Griskevicius, V., et al. (2012). The evolutionary basis of risky adolescent behavior: Implications for science, policy, and practice, *Developmental Psychology*, 48: 598–623. <https://doi.org/10.1037/a0026220>
- Ellison, C.G., Walker, A.B., & Marquardt, E.(2011). The effects of parental marital discord and divorce on the religious and spiritual lives of young adults, *Social Science Research*, 40(2): 538-551. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.ssresearch.2010.10.010>
- Feldhaus, M., & Heintz-Martin, V.(2015). Long-term effects of parental separation: Impacts of parental separation during childhood on the timing and the risk of cohabitation, marriage, and divorce in adulthood, *Advances in Life Course Research*, 26: 22-31.
- Flook, L., & Fuligni, A. J. (2008). Family and school spill over in adolescents' daily lives, *Child Development*, 79: 776–787. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1467-8624.2008.01157.x>
- Fotheringham, S., Dunbar, J., & Hensley, D. (2013). Speaking for themselves: Hope for children caught in high conflict custody and access disputes involving domestic violence, *Journal of Family Violence*, 28: 311–324.
- Frankenhuis, W. E., Panchanathan, K., & Nettle, D. (2016). Cognition in harsh and unpredictable environments. *Current Opinion in Psychology*, 7: 76–80.
- Hammersmith, A.M.(2020). Effects of Divorce on Very Young Children, *Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development (Second Edition)*, 11: 513-521.
- Hetherington, E. M. (2006). *The influence of conflict, marital problem solving and parenting on children's adjustment in nondivorced, divorced and remarried families*. In A. Clarke-Stewart & J. Dunn (Eds.), *The Jacobs Foundation series on adolescence*. Families count: Effects on child and adolescent development New York: Cambridge University Press, (pp. 203–237).
- Hetherington, E. M., & Stanley-Hagan, M. (1999). The adjustment of children with divorced parents: A risk and resiliency perspective, *Journal of Child*

- Psychology and Psychiatry*, 40(1): 129–140.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/1469-7610.00427>
- Jalilrad, A., Ali Ababdi, Z.(2014). *Divorce and its harm to children, the first national conference on sustainable development in educational sciences and psychology, social and cultural studies*. (Text in Persian).
- Johnsen, I. O., Litland, A.S., & Hallstrom, I.K.(2018). Living in Two Worlds – Children's Experiences After Their Parents' Divorce – A Qualitative Study, *Journal of Pediatric Nursing*, 43: 44-51.
<https://doi.org/10.1016/j.pedn.2018.09.003>
- Kelly, J. B. (2000). Issues facing the family arbitration/mediation field, *Dispute Resolution Law Journal*, 1: 37-47.
- Kelly, J. B., & Emery, R. E. (2003). Children's adjustment following divorce: Risk and resilience perspectives, *Family relations*, 52(4):352–362.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1741-3729.2003.00352.x>
- Lamb, M. E. (2012). Mothers, fathers, families, and circumstances: Factors affecting children's adjustment, *Applied Developmental Science*, 16: 98–111.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/10888691.2012.667344>
- Lansford, J. (2009). Parental divorce and children's adjustment, *Perspect Psychol Sci*, 4:140–152 <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1745-6924.2009.01114.x>
- Laumann-Billings, L. & Emery, R.E. (2000). Distress Among Young Adults from Divorced Families. *Journal of Family Psychology*, 14(4): 671-687.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-3200.14.4.671>
- Lee, S. A. (2018). Parental Divorce, Relationships with Fathers and Mothers, and Children's Romantic Relationships in Young Adulthood. *J. Adult Dev*, 25(2): 121-134. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10804-017-9279-4>
- Leys, C., Arnal, C., & Fossion, F.(2019). Pre-eminence of parental conflicts over parental divorce regarding the evolution of depressive and anxiety symptoms among children during adulthood, *European Journal of Trauma & Dissociation*, 4(1): 100-112. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ejtd.2019.02.005>
- Liefbroer, A. C., & Dourleijn, E. (2006). Unmarried cohabitation and union stability: Testing the role of diffusion using data from 16 European countries, *Demography*, 43(2): 203–221.
- Luecken, L., D.S. & Roubinov, R.(2013). Tanaka Childhood family environment, social competence, and health across the lifespan, *J. Soc. Pers. Relationsh*, 30 : 171-178. <http://dx.doi.org/10.1177/0265407512454272>
- Mandemakers, J.J., & Kalmijn, M.(2014). Do mother's and father's education condition the impact of parental divorce on child well-being?, *Social Science Research*, 44: 187-199. <https://doi.org/10.1016/j.ssresearch.2013.12.003>
- Marsick, E.(2010). Cinematherapy with preadolescents experiencing parental divorce: A collective case study, *The Arts in Psychotherapy*, 37(4):311-318.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.aip.2010.05.006>
- Masten, A. S., & Cicchetti, D. (2010). Developmental cascades, *Development and Psychopathology*, 22, 491–495.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1017/S0954579410000222>
- Masten, A. S., & Narayan, A. J. (2012). Child development in the context of disaster, war, and terrorism: Pathways of risk and resilience, *Annual Review of Psychology*, 63:227–257. <https://doi.org/10.1146/annurev-psych-120710-100356>
- McCabe, K. M. (1997). Sex differences in the long term effects of divorce on children: Depression and heterosexual relationship difficulties in the young adult years. *Journal of Divorce & Remarriage*, 27(1/2):123_135.
https://psycnet.apa.org/doi/10.1300/J087v27n01_08

- Merz , E.M., & Jak, S.(2013),The long reach of childhood. Childhood experiences influence close relationships and loneliness across life, *Adv. Life Course Res*, 18 : 212-222. <https://doi.org/10.1016/j.alcr.2013.05.002>
- Miller, G. E., Chen, E., & Parker, K. J. (2011). Psychological stress in childhood and susceptibility to the chronic diseases of aging: Moving toward a model of behavioral and biological mechanisms, *Psychological Bulletin*, 137: 959–997. <https://doi.org/10.1037/a0024768>
- Mohammadiyan, Z.(2013). *The relationship between parental divorce and child delinquency*. Master Thesis of the Comprehensive Scientific-Applied University of Prisons Organization. (Text in Persian).
- Morrison ,J., H. Pikhart, M. & Ruiz, P.(2014). GoldblattSystematic review of parenting interventions in European countries aiming to reduce social inequalities in children's health and development, *BMC Public Health*, 14 : 1-13.
- Mustonen U., Huurre T., Kiviruusu O., & Haukkala A.,(2011). Aro H: Long-term impact of parental divorce on intimate relationship quality in adulthood and the mediating role of psychosocial resources, *J Fam Psychology*, 25:615–619. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0023996>
- Racz .S.J., & McMahon, R.J. (2011).The relationship between parental knowledge and monitoring and child and adolescent conduct problems: a 10-year update.Clin, *Child Fam. Psychol. Rev*, 14 : 377-398. <https://doi.org/10.1007/s10567-011-0099-y>
- Sands A., Thompson, E.J. , & Gaysina, D. (2017).Long-term influences of parental divorce on offspring affective disorders: a systematic review and meta-analysis, *J. Affect. Disord*, 218: 105-114, <https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.04.015>
- Schaan, V.K., Schulz, A., Schächinger, H., & Vögelea, C.(2019). Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women, *Journal of Affective Disorders*, 257: 91–99. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.06.071>
- Sharon Quah, E.L.(2018). Emotional reflexivity and emotion work in transnational divorce biographies, *Emotion, Space and Society*, 29: 48-54.
- Shimkowski , J.R., & Ledbetter, A.M. (2018). Parental divorce disclosures, young adults' emotion regulation strategies, and feeling caught, *J. Fam. Commun*, 18:185-201. <http://dx.doi.org/10.1080/15267431.2018.1457033>
- Smith-Greenaway, E., & Clark, S.(2017). Variation in the link between parental divorce and children's health disadvantage in low and high divorce settings, *SSM - Population Health*, 3: 473-486. <https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2017.04.004>
- Sorek, Y.(2019). Children of divorce evaluate their quality of life: The moderating effect of psychological processes, *Children and Youth Services Review*, 107: 104-114.
- Strauss, A., & Corbin, J.(2011). *Principles of Qualitative Research Methodology: Basic Theory, Procedures and Methods*. Translated by Buick Mohammadi, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies .(Text in Persian).
- Sun, Y., & Li, Y. (2002). Children's well-being during parents' marital disruption process: A pooled time-series analysis, *Journal of Marriage and Family*, 64: 472–488. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/j.1741-3737.2002.00472.x>
- Tebeka,S. N., Hoertel, C., Dubertret, Y., & Lee, S.(2016).Parental divorce or death during childhood and adolescence and its association with mental health, *J.*

Nerv. Ment. Dis, 204 :678-689.
<https://doi.org/10.1097/nmd.0000000000000549>

- Thomas, J.R., & Högnäs, R.S.(2015). The Effect of Parental Divorce on the Health of Adult Children, *Longitudinal and Life Course Studies*, 6(3): 279-302.
<https://doi.org/10.14301/lcs.v6i3.267>
- Thompson, R.G., Alonzo, D., Hu, M.-C., Hasin, D.S., (2017). The influences of parental divorce and maternal-versus-paternal alcohol abuse on offspring lifetime suicide at- tempt. *Drug Alcohol Rev.* 36:408–414.
<https://doi.org/10.1111/dar.12441>
- Thornton ,A., Orbuch, T.L., & Axinn, W.G. (1995).Parent-child relationships during the transition to adulthood, *J. Fam. Issues*, 16 : 538-564.
<https://doi.org/10.1177/019251395016005003>
- Verschuren, K. (1996). The internal working model of self, and competence in five years old, *Journal of child development*, 67(5): 2493-2511.
- Wang , M., & Liu, L. (2014).Parental harsh discipline in mainland China: prevalence, frequency, and coexistence, *Child Abuse Negl*, 38: 1128-1137.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.chiabu.2014.02.016>
- Wolfinger, N. H. (2005). *Understanding the divorce cycle: The children of divorce in their own marriages*. Cambridge University Press.
- Yahya, H., & Hamed, M.(2015). Issues of children of divorce in Iran and related interventions. *Women and Family Studies*.3 (2): 120-91.
<https://doi.org/10.22051/jwfs.2016.2209> (Text in Persian).
- Yap .M.B., Pilkington, P.D. , Ryan, S.M. & Jorm, A.F.(2014).Parental factors associated with depression and anxiety in young people: a systematic review and meta-analysis, *J. Affect. Disord*, 156: 8-23.
<https://doi.org/10.1016/j.jad.2013.11.007>



This article is an open_access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY_NC_ND 4.0) (https://creativecommons.org/licenses/by_nc_nd/4.0/).